

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی،

پاییز ۸۹

Research Journal of Islamic Philosophy and
Theology of Shahid Beheshti University

اعجاز تشریحی قرآن

دکتر محمدرضا ابراهیم نژاد*

چکیده

اهمیت اعجاز و اعجاز تشریحی قرآن از میزان حضور و تأثیرگذاری قرآن در جامعه بشری قابل ارزیابی است و با توجه به توسعه روزافزون علوم، بررسی و تبیین اعجاز تشریحی قرآن امری ضروری است. البته پژوهش در مسئله اعجاز قرآن دارای سابقه‌ای دیرینه است اما اعجاز تشریحی قرآن مورد توجه شایان نبوده، در حالی که قرآن کریم این مسئله را مورد تأکید قرار داده است. با عنایت به اینکه این موضوع مسئله‌ای میان رشته‌ای و دارای صبغه‌های کلامی و تفسیری است، در این مقاله راه‌های اثبات اعجاز تشریحی قرآن طی می‌گردد. نخست آنکه قوانین و شرایع قرآن دارای ویژگی‌های فرابشری و اعجازی است. دوم قوانین و شرایع قرآن متأثر از تورات نیست بلکه بر شرایع تورات فائق است و سوم آنکه شرایع قرآن از معایب و نارسایی‌های قوانین عرفی

Ebrahimnejad64@yahoo.com

* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۱ تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۱

مبرا و وارسته است و با این همه توسط پیامبر اسلام (ص) که فردی «امی» و درس نخوانده بود، بیان شد و این دلیل واضحی بر اعجاز و الهی بودن قرآن است.

واژگان کلیدی: اعجاز، تشریح، قرآن، عرف.

مقدمه

اگر بخواهیم مسئله «اعجاز و اعجاز تشریحی قرآن» را ارزیابی کنیم کافی است که به میزان حضور و تأثیرگذاری قرآن در سراسر جهان توجه کنیم. به حقیقت هیچ کتابی نیست که به اندازه قرآن مورد مطالعه قرار گیرد، یا مخاطبان مختلف داشته باشد؛ افرادی بی‌شمار آن را قرائت کنند؛ مشتاق شنیدن آن باشند و با ترنم آن اشک بریزند و کسانی هم کینه شدید از آن در دل داشته باشند. رمز همه این امور و راز تمام این شگفتی‌ها «اعجاز قرآن» است. در این مقاله هدف اثبات اعجاز قرآن نیست، بلکه هدف عمده طرح آن بخش از اعجاز قرآن است که از سوی برخی قرآن پژوهان در حد اشاره یا اندکی مورد توجه قرار گرفته و برخی به هیچ وجه به آن نپرداخته یا آن را منتفی شمرده‌اند و آن «اعجاز تشریحی» قرآن است در حالی که توجه به این موضوع و طرح آن در عصر حاضر به چند دلیل ضروری و لازم است از جمله آنکه:

۱. شرایط حاکم بر علوم انسانی و مراکز آموزشی به گونه‌ای است که برخی منحصراً محصول فکر و اندیشه نظریه‌پردازان مادی و غربی را علم، می‌پندارند و غیر از آن همه چیز از جمله معارف و احکام قرآن را انکار می‌کنند یا مورد تردید قرار می‌دهند.
۲. پژوهش‌های علمی مستمر، همواره زندگی بشر را بیش از پیش توسعه می‌دهد و عرصه‌های جدیدی از هستی و حیات را می‌گشاید. این وضعیت اقتضا می‌کند که از ذخایر عجیب و جواهر غریب قرآن که پایان‌ناپذیر و تمام‌ناشدنی است (نهج/البلاغه، خطبه ۱۸) بهره‌برداری لازم انجام گیرد.

بدین منظور در آغاز بحث، مراد از اعجاز تشریحی و پیشینه تاریخی و پژوهشی آن در مباحث اعجاز قرآن را تبیین و بررسی می‌کنیم، سپس جلوه‌های اعجاز قرآن را در قوانین و احکام تشریحی آن به طرق و روش‌های ممکن تقدیم خواهیم نمود.

مراد از «اعجاز تشریحی»

عنوان «اعجاز تشریحی» از دو واژه «اعجاز» و «تشریح + ی» ترکیب شده که هر یک از آنها تعریف و کاربردهای مستقلی دارند و در منابع لغوی و مباحث کلامی، فقهی و حقوقی به تفصیل بررسی می‌شود. در اینجا به اجمال و اختصار به تعریف هر عنوان می‌پردازیم تا مراد از اعجاز تشریحی به دست آید.

تعریف اعجاز: هر چند دانشمندان اهل کلام عبارت‌های مختلفی در تعریف اعجاز و معجزه به کار برده‌اند اما در معنا و مراد می‌توان گفت بر این عقیده‌اند که: «اعجاز امری خارق عادت است که به وسیله مدعی مقام نبوت برخلاف قوانین عادی و جاری طبیعت و به منظور اثبات ادعای رسالتش انجام می‌گیرد. منوط به اینکه مقارن با تحدی و دعوت به مبارزه و عجز و ناتوانی دیگران از آوردن همانند آن باشد» (رضوانی، ص ۱۳).

تعریف تشریح: تشریح در لغت به معنای قانونگذاری است. (زحیلی، ص ۱۱) که اگر از جانب ادیان باشد تشریح آسمانی گفته می‌شود و اگر از طرف خردمندان بشر باشد تشریح وضعی می‌نامند که البته این دو قسم تشریح، فرق زیادی دارند (ابراهیم، ص ۱۹) این اصطلاح در فرهنگ اسلامی به خصوص در مباحث کلامی و قرآنی به دو معنای عام و خاص به کار می‌رود که عبارت‌اند از:

۱. **معنای عام:** تشریح عبارت است از آنچه خداوند متعال وضع و بیان نموده و از طریق پیامبران علیهم‌السلام به مردم رسیده است خواه مربوط به عقیده و ایمان و باور قلبی باشد که احکام اعتقادی است (و در علم کلام مورد بحث قرار می‌گیرد) و خواه مربوط به عمل و رفتار باشد که احکام فرعی است (و در علم فقه بررسی می‌شود).

۲. **معنای خاص:** تشریح عبارت است از مجموع احکامی که خداوند متعال برای بندگانش وضع کرده تا بر اثر - ایمان و - به کار بستن آن احکام به سعادت دنیا و آخرت برسند (مجیری، ص ۴۱). چنانکه ملاحظه می‌شود در هر یک از دو تعریف، واژه تشریح از حالت مصدری به حالت وصفی و اسمی منتقل و به کار رفته است.

اعجاز تشریحی

صاحب نظران و قرآن پژوهان برحسب اینکه با دیدگاه کلامی یا دیدگاه فقهی (و حقوقی) به موضوع نگریسته باشند تعریفشان فرق می‌کند و غفلت از تفاوت دیدگاه‌ها ممکن است به تصور و

توهم اختلاف اساسی منتهی گردد. اکثر قرآن پژوهان اهل سنت و برخی از صاحب نظران شیعه، اعجاز تشریحی را در مورد تمام معارف و علوم و احکام تکلیفی قرآن اطلاق می کنند. در مقابل این گروه، جمع بیشتری از صاحب نظران شیعه و برخی از نویسندگان اهل سنت از دیدگاه فقهی به موضوع پرداخته و اعجاز تشریحی را از اعجاز علمی تفکیک نموده و به صورت خاص تحلیل و بررسی نموده اند. از محققان شیعه می توان صاحب تفسیر آلاء الرحمن آقای خوئی، علامه طباطبایی، مکارم شیرازی و جعفر سبحانی دارای این نگرش اند و از پژوهش گران اهل سنت استاد ابوزهرة را می توان نام برد.

در این مقاله با دیدگاه فقهی و کلامی به مسئله می پردازیم و با توجه به تعریف هایی که درباره اعجاز و تشریح ارائه شد به این نتیجه می رسیم که: «اعجاز تشریحی به معنای مشتمل بودن قرآن کریم بر احکام و قانون هایی است که از سوی پیامبر اسلام (ص) همراه با تحدی به مردم ابلاغ شد و افراد عادی از تدوین و ارائه مشابه آن عاجز و ناتوانند».

اعجاز در فرهنگ قرآن

عنوان اعجاز و واقعیت اعجاز به گونه ای که در متن قرآن کریم آمده با آنچه در کتاب های لغت و اصطلاح ذکر شده دارای دو تفاوت است.

نخست آنکه: کلمه اعجاز در قرآن ذکر نشده اما واژه مُعْجَزٌ (بدون تاء) و سایر مشتقات آن حدود ۲۶ مرتبه ذکر شده و به معنای لغوی آن یعنی «ناتوان کننده» به کار رفته است. در سوره توبه/ ۲ و ۳ چنین آمده است:

فسیحووا فی الأرض اربعة أشهر واعلموا أنکم غیر معجزی الله و أن الله مخزی الکافرین...
و إن تولیتکم فاعلموا أنکم غیر معجزی الله....

دیگر آنکه: هر جا خداوند خواسته واقعیت معجزه پیامبران را یادآور شود آیه، بینه، برهان و سلطان را (به صورت مفرد یا غیرمفرد) به کار برده است. البته این واژه ها از نظر لغت، کاربردهای گسترده تری دارند اما هر جا در متن قرآن، به هدف بیان معجزه پیامبران ذکر شده به وسیله قرائن موجود در مقام، به وضوح مشخص می شود. برخی موارد مربوط به این کاربرد، به این صورت است:

۱. آیه و آیات: آل عمران/ ۴۹، انعام/ ۳۷ و ۱۰۹، اعراف/ ۷۳ و نمل/ ۱۲.

۲. بینه و بینات: بقره/ ۹۲، اعراف/ ۷۳ و ۱۰۵ و فاطر/ ۲۵.

۳. سلطان: هود/ ۹۶، براهیم/ ۱۰ و ۱۱، ذاریات/ ۳۸ و دخان/ ۱۹۰.
۴. برهان: نساء/ ۱۷۴ و قصص/ ۳۲.

پیشینه تحقیق در اعجاز قرآن

بحث اعجاز قرآن از سده‌های نخستین مطرح بوده و همواره ادامه داشته است تا جایی که اکنون کتاب‌های تألیفی فراوانی در این زمینه وجود دارد و در کتاب‌های نسبتاً زیادی هم این بحث بررسی شده است. در قرن سوم جاحظ (م ۲۵۵ق) و در قرن چهارم، رمانی (م ۳۸۶ق) و خطابی (م ۳۸۸ق) و در قرن پنجم عبدالقاهر جرجانی (م ۴۷۱ق) در این زمینه دارای تألیف‌اند. همچنین قاضی عبدالجبار اسدآبادی معتزلی (م ۴۱۵ق) و پس از وی در قرن ششم زمخشری (م ۵۲۸ق) در تفسیر کشف بیشترین تلاش خود را در ترسیم و توصیف اعجاز بیانی قرآن به کار برده‌اند. البته این محققان و نویسندگان غالباً به جنبه‌های فصاحت و بلاغت و اسلوب بیان قرآن نگریسته‌اند (ایازی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۳۶).

کم‌توجهی به اعجاز تشریحی

چنانکه اشاره شد سهم عمده و بخش اساسی از تحقیق و بررسی‌ها به اعجاز بیانی قرآن اختصاص داشته است و اظهار نظر و تألیف درباره اعجاز محتوایی به ویژه اعجاز تشریحی قرآن بسیار اندک است شاید از طریق آمار کتب و مقاله‌های مربوط به هر یک از وجوه اعجاز قرآن بتوان به خوبی به این واقعیت رسید. البته استقراء تمام تألیف‌های مربوط به این مسئله نه آسان است و نه صواب و نه مورد نیاز اما از باب ذکر نمونه فهرست کتبی که دو تن از مؤلفان معاصر جزو منابع مورد مراجعه خود ارائه نموده‌اند بدین گونه است:

۱. «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن»: مؤلف کتاب ۲۱ کتاب را نام برده که مربوط به اعجاز قرآن است و هیچ یک از آنها در زمینه اعجاز تشریحی قرآن نیست (رضائی).
۲. «الموسوعه الذهبیه فی اعجاز القرآن الکریم و السنه النبویه»: مؤلف کتاب ۲۷ کتاب در زمینه اعجاز قرآن معرفی کرده که از جمله آنها ۳ کتاب با عنوان اعجاز عددی و ۱۶ عنوان مربوط به اعجاز علمی است و هیچ کتابی پیرامون اعجاز تشریحی معرفی نشده است (متولی ۱۴۲۶ق، فهرست منابع کتاب).

اکنون جای این پرسش است که چه عاملی باعث کم توجهی یا بی توجهی به اعجاز تشریحی شده است. این وضعیت به اندازه‌ای شدید است که علامه طباطبائی ره پژوهشگران را در این زمینه مقصر شمرده است:

به حقیقت پژوهشگران از علمای صدر اول و پس از آنان، تقصیر و کوتاهی نموده‌اند، زیرا آنان اعجاز قرآن را به فصاحت و بلاغت آن محدود کردند و در این خصوص کتاب‌ها و رساله‌هایی تألیف کردند و این اقدام، آنها را از تدبیر در حقایق و ژرف‌نگری در معارف قرآن بازداشت و آنان را بر این داشت که معانی و محتوا را اموری پیش‌پا افتاده به حساب آورند، به گونه‌ای که - در شناخت معانی - افراد بی‌تمدن و باتمدن، عوام و خواص، جاهل و عالم همه در یک سطح قرار دارند و نظم الفاظ برنظم معانی ترجیح دارد و چیزی جز نظم الفاظ دارای ارزش نیست.

این در حالی است که خداوند متعال هرگونه وصف زیبایی که در تحدی مؤثر است درباره قرآن به کار برده است مثل اینکه قرآن را نور، رحمت، هدایت، حکمت، موعظه، برهان و... شمرده و در خصوص بلاغت قرآن تصریح نموده است (طباطبائی، ج ۱۰، ص ۶۵).

در اینجا لازم به یادآوری است که همواره افراد اندکی بوده‌اند که اعجاز قرآن کریم را در احکام نورانی آن متجلی نگریسته‌اند.

دیدگاه قرآن نسبت به شرایع قرآنی

دیدگاه قرآن درباره احکام و قوانین موجود در آن چیست؟ آیا خود قرآن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم آنها را پدیده‌ای الهی شمرده است یا در این خصوص دیدگاهی ندارد؟ در پاسخ به نظر می‌رسد دو قسم آیات در این زمینه وجود دارد:

قسم اول: آیاتی که به صورت عام و کلی قرآن را حقیقتی و حیانی معرفی نموده‌اند که آیه ذیل از آن جمله است:

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانِ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (نساء / ۸۲).
برطبق - منطوق - این آیه تمام قرآن پدیده‌ای الهی و غیر بشری است بنابراین احکام تشریحی آن نیز - که جزئی از قرآن است - این گونه است.
قسم دوم: آیاتی که ویژگی‌ها و امتیازات تمام یا برخی شرایع و قوانین قرآن را به صورتی برجسته بیان کرده است برخی از این آیات عبارت‌اند از:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ... (حدید / ۲۵).
آیه شریفه چنین تفسیر شده است: هدف خداوند از فرستادن پیامبران و نازل گرداندن کتاب و میزان به همراه پیامبران آن است که مردم برای اجرای قسط و عدالت قیام کنند و در جامعه‌ای عادل زندگی کنند (طباطبائی، ج ۱۹، ص ۱۷۱).

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (اعراف / ۱۵۷).

از آیه شریفه چنین استفاده شده که بدون تردید دین اسلام یگانه دینی است که در پیکر بی‌روح امر به معروف و نهی از منکر تا آنجا که ظرفیت داشته روح حیات دمیده ... و یگانه دینی است که جمیع امور مربوط به زندگی بشر و همه شئون و اعمال وی را بر شمرده و آنها را به دو قسم طیبات و خبائث تقسیم کرده طیبات را حلال و خبائث را حرام کرده است. قوانین هیچ شریعت دینی و هیچ یک از قوانین اجتماعی (و عرفی) به تفصیل قوانین شریعت اسلام نیست و مانند شریعت اسلام به جزئیات و دقایق امور نپرداخته است (طباطبائی، ج ۸، ص ۲۹۴ با تلخیص).

يا ايها الذين آمنوا كتب عليكم القصاص في القتلى..... و لكم في القصاص حياة يا أولى الألباب لعلكم تتقون (بقره / ۱۷۹ - ۱۷۸).
چنانکه ملاحظه می‌گردد این قسم آیات علاوه بر ذکر ویژگی‌های بارز و بی‌نظیر احکام شرعی، آنها را قوانین الهی و از جانب خداوند متعال معرفی می‌کنند.

جلوه‌های اعجاز قرآن در تشریح

اگر قوانین و احکام قرآن معجزه است باید به گونه‌ای باشد که قادر به تحدی بوده و از توان بشر عادی فراتر باشد. این حقیقت در عرصه‌های مختلف تجلی نموده و اثبات آن از چند طریق ممکن است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ۱. ویژگی‌های احکام قرآن ۲. مقایسه احکام قرآن با احکام تورات؛ ۳. مقایسه احکام قرآن با قوانین عرفی؛ ۴. تأثیر احکام قرآن بر تمدن و جامعه اسلامی.

۱. ویژگی‌های احکام قرآن

قوانین و احکام تشریحی قرآن دارای ویژگی‌هایی است که آنها را از قوانین عرفی متمایز ساخته است از جمله از ویژگی‌ها می‌توان انسجام و ارتباط قوانین، وجود قوانین کلی و اصول حاکم، شمول و فراگیری قوانین را نام برد و بررسی نمود:

اول. انسجام و ارتباط قوانین

قوانین و احکام قرآن به رغم آنکه در فاصله‌های زمانی نسبتاً طولانی نازل شده و در سوره‌های مختلف قرآن به صورت مقدم و مؤخر قرار گرفته، به گونه‌ای خاص به یکدیگر وابسته و مرتبط است. این وضعیت توجه عموم قرآن پژوهان را به خود جلب کرده است. استاد علی محمد جعفر در این باره چنین اظهار نظر نموده است:

.... احکامی که مربوط به یک موضوع‌اند در یک جای از قرآن وارد نشده بلکه در سوره‌های مختلف و بدون هیچ‌گونه تعارضی وارد شده است و این امر اشاره به آن دارد که احکام قرآن در هر جایی از قرآن باشد، همگی یک واحد نامتجزی است و قرآن (دارای) وحدتی عام و متکامل است (محمد جعفر).

از باب نمونه برخی احکام مربوط به حقوق اعضای خانواده و احکام مربوط به روابط با غیر مسلمانان را در آیات ذیل اشاره می‌کنیم:

الف. حقوق متقابل اعضای خانواده

و وصینا الانسان بوالدیه احساناً حملته امه کرهأ و وضعته کرهأ و حملة و فصاله ثلثون شهراً... (احقاف/۱۵).

والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین لمن اراد ان یتیم الرضاعة، و علی المولود له رزقهن و کسوتتهن بالمعروف. لا تُکلف نفس الا وُسْعها لا تُضار والدَةٌ بولدها ولا مولودٌ له بولده (بقره/۲۳۳).

در دو آیه فوق ارتباط و انسجام چند جانبه‌ای مشهود است. از یک سو ارتباط موضوعی بین آیه اول و آیه دوم وجود دارد با اینکه آیه نخست جزو آیات مکی و آیه دوم از آیات مدنی است و فاصله نزول آنها نسبتاً زیاد است.

از سوی دیگر ارتباط کاملی میان امری تکوینی و حکمی تشریحی ظاهر شده است زیرا در آیه نخست مدت حمل و مدت شیردادن به فرزند ذکر شده و در آیه دوم مدت شیردادن ذکر شده که بخشی از آیه نخست را تفسیر می‌کند.

در مرحله سوم حکم شیردادن و حکم نفقه دادن که دو حکم فرعی و جزئی است، به یک اصل کلامی و فقهی (یعنی منوط بودن تکلیف به قدرت) و نیز به یک قاعده مهم فقهی (یعنی قاعده نفی ضرر) مستند شده است.

ب. ضوابط ارتباط با غیر مسلمانان

ولا تُنکِحُوا المشرکات حتی یؤمنن ولأمة مؤمنة خیر من مشرکة ولو اعجبکم ولا تُنکِحُوا المشرکین حتی یؤمنوا و لعبد مؤمن خیر من مشرک ولو أعجبکم أولئک یدعون الی النار والله یدعوا الی الجنة والمغفرة بإذنه و یبین آیاته للناس لعلهم یتذکرون (بقره/ ۲۲۱).

و ان احد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلام الله ثم ابلغه ما منه ذلک بأنهم قوم لا یعلمون» (توبه/ ۶).

یا ایها الذین ءامنوا لا تتخذوا الکافرین أولیاء من دون المؤمنین أتریدون ان تجعلوا لله علیکم سلطاناً مبیناً (النساء/ ۱۴۴).

لا تجد قوماً یؤمنون بالله والیوم الآخر یؤادون من حاد الله و رسوله و لو كانوا اباءهم أو أبناءهم أو إخوانهم أو عشیرتهم... (مجادله/ ۲۲).

و لَنْ یجعلَ اللهُ لِلکافرینَ عَلَی المؤمنینَ سبیلاً (نساء/ ۱۴۱).

و طعام الذین أوتوا الکتابَ حل لکم و طعامکم حل لهم... (مائده/ ۵).

این بخش از آیات در فاصله‌های زمانی مختلف نازل شده و در چند سوره قرآن جای دارد. با این وصف، منظومه‌ای از حدود تعامل و ضوابط ایجابی و سلبی ارتباط افراد و جامعه اسلامی با افراد و جامعه‌های غیرمسلمان را تعیین می‌کند. به گونه‌ای که نوع ارتباط با هریک از اقسام غیرمسلمان با اقسام دیگر متفاوت است.

دوم. وجود قوانین کلی و اصول حاکم

هرچند احکام و شرعیات قرآنی همگی دارای اعتبار یکسان‌اند، اما به لحاظ ثبات و انعطاف‌پذیری، میزان شمول و فراگیری و غیره متفاوت‌اند و بعضی از آنها به مثابه اصل ثابت و حاکم نسبت به بقیه احکام می‌باشند. چند نمونه از احکام و اصول کلی را در آیات ذیل می‌بینیم:

الف. اصل عدالت

۱. ان الله يأمر بالعدل والإحسان و ابتاء ذی القربى و ینهى عن الفحشاء والمنکر والبغی یعظکم لعلکم تذكرون (نحل/۹۰).
۲. ان الله یأمرکم أن تؤدوا الأمانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل، ان الله نعمة یعظکم به، ان الله کان سمیعاً بصیراً (نساء/۵۸).
۳. یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقى من الربوا ان کنتم مؤمنین. فان لم تفعلوا فآذنوا بحرب من الله و رسوله و ان تبتئم فلکم رؤوس اموالکم لا تظلمون ولا تظلمون (بقره/۲۸۷-۲۷۹).

چنانکه ملاحظه می‌گردد در آیه‌های ۱ و ۲ خداوند امر به عدالت نموده اما مورد یا مصداق خاصی برای آن ذکر ننموده که گویای کلیت و عمومیت حکم است و در آیه ۳ حکم حرمت ربا را مقارن ظلم و ستم آورده است. این موضوع در موارد دیگری از قرآن کریم از جمله در سوره مائده/ ۸ و انعام/ ۱۵۲ نیز قابل بررسی است.

ب. اصل صلاح (و نفی فساد)

اصل دیگری که در بین شرایع قرآن چشمگیر است، اصل «صلاح و نفی فساد» است. این اصل در تمام شئون زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و تصرف در محیط زیست جاری و نافذ است. برخی موارد کاربرد آن در آیات زیر بیان شده است:

و يسئلونك عن اليتيمى قل اصلاح لهم خير و ان تخالطوهم فإخوانكم والله يعلم المفسد من المصلح... (بقره/۲۲۰).

و ان خفتم شقاق بينهما فابعثوا حكماً من اهله و حكماً من اهلها ان يُريدا اصلاحاً يُوفى الله بينهما ان الله كان عليماً خبيراً (نساء/ ۳۵).

إنما جزاء الذين يحاربون الله و رسوله و يسعون فى الأرض فساداً ان يُقتلوا او يُصلبوا أو تُقطع أيديهم و أرجلهم من خلاف أو يُنْفوا من الأرض (مائده/۳۳).

ج. اصل توازن حق و تكليف

توازن و تقابل حق و تكليف اصل کلی دیگری است که در تشریح قرآن وجود دارد این اصل را قرآن کریم به مناسبت حقوق و وظایف برخی زنان اشاره نموده است:

والمطَّلقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ ... و لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ... (بقره/۲۲۸).

این اصل در آیات قرآن کمتر به صراحت ذکر شده است و علت این امر شاید وضوح و بداهت آن باشد. به هر حال حضرت امیر علیه السلام در یکی از خطابه‌های حکومتی و سیاسی خود آن را تشریح و تفسیر نموده است (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷).

د. اصل کرامت انسان

این اصل در حوزه تشریح و قانون گذاری دارای وجوه قانونی متنوع است. علاوه بر آن دارای اساس و پایگاه فطری و تکوینی است به بیان دیگر خداوند منان آنجا که در نقش آموزگاری بزرگ کتاب خلقت و درسنامه آفرینش را به انسان‌ها تعلیم می‌دهد. صفحه‌ای از آن را به بیان ماهیت و چگونگی ذات و شخصیت انسان‌ها اختصاص داده و تاج کرامت و مدال افتخار و فضیلت را ویژه انسان‌ها دانسته و فرموده است:

و لقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً (اسراء/۷۰).

اما خداوند متعال تنها آموزگار نیست بلکه علاوه بر آن قانون‌گذار است. در مقام تشریح و بیان قوانین، اصل کرامت انسان را در فصل‌های مختلف پایه و مبنای باید‌ها و نبایدها قرار داده است. دفاع از حیات انسان، آزادی و حفظ آبروی انسان از آن جمله است:

۱. **قوانین حفظ جان و حیات انسان‌ها:** در مورد حفظ جان و زندگی انسان‌ها قرآن کریم احکام زیادی صادر نموده که برخی از آنها در آیات زیر آمده است.

ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق... (اسراء/۳۳).

و اذا الموءودة سئلت بأی ذنب قتلت (تکویر/۸).

ولا تقتلوا اولادکم خشية إملاق نحن نرزقکم و إياهم (انعام/۱۵۱).

... من اجل ذلك كتبنا على بنی اسرائیل أنه من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الأرض فكأنما قتل الناس جميعاً و من احياها فكأنما احيا الناس جميعاً... (مائدة/۳۲).

۲. **قوانین آزادی بخش:** قسم دیگر از موارد کاربرد اصل کرامت انسان، احکام مربوط به آزادی بردگان است که در قرآن مورد توجه قرار گرفته است:

و ما أدريک مالالعقبه، فك رقبه... (بلد/۱۳-۱۲).

و من قتل مؤمناً خطأ فتحرير رقبه مؤمنه... (نساء/۹۲).

دستور آزادسازی بردگان در آیات دیگری از جمله آیه ۸۹ سوره مائده و آیه ۳ سوره مجادله نیز بیان شده است.

۳. **حفظ احترام و آبروی انسان‌ها:** کرامت انسان‌ها در زمینه حفظ احترام و آبروی افراد نیز مورد عنایت قرآن است و در این خصوص احکامی دقیق وضع نموده و مؤمنان را ملزم به رعایت آنها کرده است:

يا ايها الذين آمنوا لا يسخر قوم عسى أن يكونوا خيراً منهم ولا نساء من نساء عسى أن يكن خيراً منهن ولا تلمزوا انفسكم ولا تنازروا بالألقاب بئس الإسم الفسوق بعدالإيمان و من لم يتب فأولئك هم الطالمون. يا ايها الذين امنوا اجتنبوا كثيراً من الظن إن بعض الظن إثمٌ ولا تجسسوا ولا يغتب بعضكم بعضاً أيحب احدكم ان يأكل لحم أخيه ميتاً فكرهتموه واتقوا الله ان الله توابٌ رحيم(حجرات / ۱۲-۱۳).

هـ. اصل سهولت و نفی حرج

سهولت و نفی حرج اصل دیگری است که در عرصه‌های مختلف تشریح قرآن جاری است و بر بسیاری از قوانین حاکم است. این اصل در آیات مختلف قرآن (با چند عنوان) ذکر شده اما در آیه بعد به صورت بسیار جامع و فراگیر بیان شده است:

و جاهدوا فی الله حق جهاده هو اجتباکم و ما جعل علیکم فی الدین من حرج
(حج/۷۸).

اصل سهولت یکی از رمزهای گسترش آیین اسلام میان ملتها و اقوام مختلف است و این امر به حدی روشن است که صاحب نظران بیگانه نیز به آن پی برده و برخی از آن با تجلیل یاد کرده اند (روحانی، ص ۳۰۵).

و. اصل تسالم (و تقدم آن بر جنگ)

قرآن روابط انسانی را بر اصل تسالم و تعامل مثبت تنظیم کرده است. این اصل علاوه بر حیطة روابط اجتماعی افراد و قومیت های مسلمان در زمینه روابط جامعه اسلامی با کشورهای غیرمسلمان و اقوام بیگانه نیز جاری است. در دو آیه زیر این موضوع بیان شده است:
و ان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما فان بغت احديهما علی الأخری فقاتلوا التی تبغی حتی تفیء الی امرالله فان فاءت فاصلحوا بینهما بالعدل و أقسَطوا ان الله یحب المقسطین. انما المؤمنون إخوة فأصلحوا بین أخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون (حجرات/۱۰-۹).
و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله إنه هو السميع العليم (انفال/۶۱).

سوم. شمول و فراگیری

سومین ویژگی تشریح قرآنی شمول و فراگیری احکام است. احکام قرآن مبتنی بر جهان بینی اسلامی است و بر این اساس دارای ابعاد مختلف است. این گونه نیست که محدود به خواسته ها یا منافع و مصالح مادی فرد یا گروهی خاص باشد، بلکه بین مادیت و معنویت، شئون فردی و اجتماعی، زندگی دنیا و آخرت جمع نموده است این واقعیت را در احکام عبادی و در آیات پرداخت زکات و اقامه نماز می بینیم.

- **قانون پرداخت زکات و ابعاد آن:** پرداخت زکات در نظر ابتدایی عبادت خداوند متعال است. در عین حال جنبه ها و آثار مثبت اجتماعی، اقتصادی و... نیز دارد. برخی از جنبه های مذکور، در دو آیه زیر قابل ملاحظه است:

انما الصدقات للفقراء والمساکین والعاملین علیها و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب والغارمین و فی سبیل الله و ابن السبیل فریضة من الله والله عليم حکیم (توبه/۶۰).

خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزكیهم بها وصل علیهم ان صلواتك سكن لهم والله
سمیع علیهم (توبه/۱۰۳).

مشابه آنچه درباره زكات اشاره شده در مورد نماز هم قابل بررسی است:
«و اقم الصلوه إن الصلوه تنهی عن الفحشاء والمنكر ولذكر الله اكبر والله یعلم ما
تصنعون (عنكبوت/۴۵).

در اینجا بهتر است به سخنان «گیبون» - نویسنده غیرمسلمان - پیرامون شمول و فراگیری
احکام قرآن توجه کنیم:

... به عبارت دیگر قرآن دستور عمومی و قانون اساسی مسلمین است، دستوری است
شامل مجموعه قوانین دینی و اجتماعی و مدنی و تجاری و نظامی و قضائی و جنایی و
جزایی و همین مجموعه قوانین از تکالیف زندگی روزانه تا تشریفات دینی اعم از تزکیه
نفس تا حفظ بدن و بهداشت و از حقوق عمومی تا حقوق فردی و از منافع فردی تا
منافع عمومی و از اخلاقیات تا جنایات و از عذاب و مکافات این جهان تا عذاب و
مکافات جهان آینده همه را دربردارد (روحانی، ص ۳۱۶).

۲. مقایسه احکام قرآن با احکام تورات

مقتضای شرایط عادی متأثر بودن قرآن از کتابهای تورات و انجیل است، زیرا بر اساس شواهد و
اسناد مسلم تاریخی قرآن به وسیله فردی، عرضه شد که «امی» و درس نخوانده بود و در عین
حال نسبت به تورات و انجیل و پیروان آنها (یعنی اهل کتاب) آشنا بود. از سوی دیگر عرب مکه و
حجاز تورات و انجیل را کتب آسمانی و اهل کتاب را بهره‌مند از علم و دانش می‌پنداشتند و از
جهت فرهنگی، اقتصادی و... پیوسته با اهل کتاب در تعامل بودند.

در چنین شرایطی اگر قرآن کتابی از سنخ کتابهای عادی و برگرفته از فکر و اندیشه یک
فرد امی بود، باید از کتاب تورات که در دست یهود است بهره می‌گرفت و از آن متأثر می‌شد. از
جمله آنکه همسان تورات و بلکه بیشتر از آن دارای مضامین و قوانین خرافی، غیرفطری،
تبعیض‌آمیز و غیرعادلانه بود.

در حالی که چنین نیست و قرآن از این گونه امور منزّه و وارسته است. آیات قرآن به
عقل‌گرایی (بقره/۷۳)، حکمت (آل عمران/۱۶۴) و بصیرت (یوسف/۱۰۸) دعوت می‌کند و

معارف و احکام قرآن به فطری بودن (روم/۳۰)، رعایت مساوات (حجرات/۷۰)، قسط (حدید/۲۵) و تکریم انسان (اسراء/۷۰) آراسته است.

این تفاوت میان قرآن و تورات در آیه‌ای از قرآن کریم - با تأکید بر وجود تکالیف طاقت‌فرسا در تورات و انجیل و وارسته بودن اسلام و قرآن از آن - به صورت کلی چنین آمده است:

الذین یتبعون الرسولَ النبىَّ الامى الذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التوریه و الانجیل یأمرهم بالمعروف و ینهیهم عن المنکر و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم و الأغلال الّتی کانت علیهم فالذین امنوا به و عزره و نصره و اتبعوا النور الذی أنزلَ معهُ اولئک هم المفلحون (اعراف/ ۱۵۷).

چنانکه در متن آیه شریفه ملاحظه می‌شود پیروان تورات و انجیل گرفتار تعهدات سخت و اعمال شاقه و طاقت‌فرسا هستند و پیامبر اسلام (ص) و قرآن کریم نجات‌بخش و برگزیده سختیها از زندگی افراد هستند. در تأیید این تفاوت چند حکم از تورات را ذکر می‌کنیم:

چند نمونه از احکام تورات

- **انقطاع نامختون از قبیله:** ... هر ذکور نامختون که گوشت قلفه او ختنه نشود آن کس از قوم خود منقطع شود زیرا که عهد مرا شکسته است (سفر پیدا/بش، باب ۱۷: ۱۴).

- **رجم گاو و قتل صاحب گاو:** ... هر گاه گاوی به شاخ خود مردی یا زنی را بزند که او بمیرد، گاو را البته سنگسار کنند و گوشتش را نخورند و صاحب گاو بی‌گناه باشد. ولیکن اگر گاو قبل از آن شاخزنی می‌بود و صاحبش آگاه بود و آن را نگاه نداشت و او مردی یا زنی را کشت گاو را سنگسار کنند و صاحبش را نیز به قتل برسانند (سفر خروج، باب ۲۱: ۲۹ و ۲۸).

- **اثر نجاستی مس میت:** ... هر که میت آدمی را لمس کند هفت روز نجس باشد و آن شخص در روز سیم، خویشتن به آن (آب تنزیه) پاک کند و در روز هفتم طاهر باشد و... هر کس وارد خیمه‌ای بشود که انسانی در آن جا مرده نجس است و هر ظرفی که در آن خیمه بود و سرپوش نداشت نجس است... (سفر عدد، باب ۱۹: ۱۱-۱۶)

- **نجاست ایام نفاس:** ... چون زنی آبستن شد پسر نرینه بزاید آنگاه هفت روز نجس است و اگر دختری بزاید دو هفته بر حسب مدت طمث خود نجس باشد و شصت و شش روز در خون تطهیر بماند... (سفر/عدد، باب ۱۲: ۲-۶).

موارد مذکور از باب نمونه است و احکام سخت و طاقت فرسا در تورات بیش از موارد فوق است. جهت اطلاع بیشتر می‌توان به اسفار مختلف تورات از جمله سفر اعداد مراجعه نمود.

در پایان مفید می‌دانم که نظر «دین استانی» را - در کتاب کلیسای شرق - نسبت به قوانین قرآن و تورات اشاره کنم:

بدون شک تأثیر قوانین استوار قرآن در نزد مسلمین صدها بار بیشتر از تأثیر دستورات تورات در نزد دیگران می‌باشد (روحانی، ص ۳۱۰).

۳. مقایسه احکام قرآن و قوانین عرفی

راه سوم جهت پی بردن به اعجاز تشریحی قرآن، مقایسه و سنجش احکام قرآن با قوانین عرفی است. قوانین عرفی - با همه دقتی که از سوی قانون‌گذاران اعمال می‌گردد - به گونه‌ای است که بیشتر آنها پس از مدتی اصلاح می‌شود یا صواب بودن و مقبولیت آن مورد تردید قرار می‌گیرد و در مواردی به طور کلی الغا و ابطال می‌شود. این وضعیت معلول مشاهده و بروز دو عیب و نقصان بزرگ است که در قانون‌های عرفی همواره وجود داشته و عبارت‌اند از: ۱. وجود اختلاف؛ ۲. وجود نارسایی. به لحاظ اهمیت موضوع هر یک از این دو مسئله را به اختصار بیان می‌کنیم:

۱. **عرصه‌های اختلاف در قوانین عرفی:** یکی از نقایص قوانین عرفی و بشری وجود اختلاف و تباین میان آنها است. این وضعیت در دو عرصه برون مکتبی و درون مکتبی بروز می‌کند.

الف. اختلاف برون مکتبی و عرصه‌های آن

نظام‌ها و نهادهای قانون‌گذار متعلق به کشورهای مختلف، در خصوص یک موضوع قانون‌های مختلف و مغایر وضع می‌کنند. موضوع ریاست جمهوری و شئون مربوط به رئیس جمهور از جمله مواردی است که می‌توان قوانین متعلق به نظام‌های مختلف را درباره آن با هم مقایسه کرد.

۱. **صفات و شرایط رئیس جمهور:** در اینکه رئیس جمهور باید به لحاظ جنسیت، حقوق شهروندی، میزان سن و... چه ویژگی‌هایی داشته باشد اختلاف نظرهایی دیده می‌شود از جمله اینکه:

- ۱.۱. جنسیت: در ایتالیا مرد بودن یکی از شرایط داوطلب ریاست جمهوری است ولی این شرط در کشورهایی مثل آمریکا نیست (نقیب‌زاده، ایتالیا، ص ۹۵).
- ۲.۱. میزان سن: حداقل سن لازم برای داوطلب ریاست جمهوری در روسیه ۳۵ سال، در آلمان و آمریکا ۴۰ سال و در ایتالیا ۵۰ سال است (روسیه، ص ۱۱۶).
- ۳.۱. حقوق شهروندی: در آمریکا علاوه بر دارا بودن حقوق شهروندی، تابعیت و اقامت قید شده و در روسیه (علاوه بر حقوق شهروندی) سکونت حداقل ۱۰ سال در روسیه لازم شمرده شده است.
۲. اختیارات رئیس جمهور: مورد دیگر از بروز اختلاف، میزان اختیارات رئیس جمهور است. اختیارات رئیس جمهور آمریکا و رئیس جمهور هند را می‌توان به عنوان نمونه با هم مقایسه کرد. رئیس جمهور آمریکا اختیار کامل دارد - که به استثنای قضات قوه قضائیه - هر مقامی را از پست خود عزل نماید و مجلس سنا در این باره حق وتو ندارد. همچنین رئیس جمهور فرمانده کل نیروهای مسلح ایالات متحده است (حمیدی‌نیا، ص ۴۶۶).
- اما اختیارات رئیس جمهور هند به گونه‌ای است که «در نظام حکومتی فعلی هند رئیس جمهور فقط رئیس سمبولیک کشور است و در عمل همان نقشی را دارد که پادشاه در نظام حکومتی انگلستان دارد...» (عالیخانی، ص ۲۳۸).
۳. مسئولیت و مصونیت رئیس جمهور: میزان و حدود مسئولیت و پاسخ‌گویی رئیس جمهور نسبت به ارتکاب جرم و دفع اتهام، عرصه دیگری از اختلاف در نظام‌های حقوقی است. به طور کلی باید دانست که قوانین عرفی در تمام نظام‌های حقوقی، میزان مسئولیت رئیس کشور را به یک اندازه نمی‌بینند بلکه سه نظریه وجود دارد.
- نظریه اول:** رئیس کشور را مسئول ارتکاب هیچ جرمی قرار نمی‌دهد (مانند عدم مسئولیت پادشاه انگلستان و...).
- نظریه دوم:** رئیس کشور را نسبت به خصوص ارتکاب جرائم بزرگ و سنگین، مسئول و مورد محاکمه قرار می‌دهد و نسبت به سایر جرائم مسئول نیست (مانند رئیس جمهور فرانسه).
- نظریه سوم:** رئیس کشور نسبت به هرگونه جرمی مسئول است و محاکمه می‌شود (مانند مسئولیت رئیس کشور هلند).

چنانکه ملاحظه می‌شود نظام‌های حقوقی و نهادهای قانون‌گذار عرفی، در خصوص یک موضوع نظیر ریاست جمهوری و شئون مربوط به رئیس کشور، دیدگاه‌های مختلف و به تبع آن قوانین مختلفی دارند و این اختلاف بیان‌گر ناصواب بودن برخی از این قوانین است (عوده، ص ۶۳).

ب. اختلاف درون مکتبی و عرصه‌های آن

اختلاف درون مکتبی عبارت‌است از مغایرت و ناهماهنگی دو یا چند قانون که از یک مکتب یا نظام و نهاد قانون‌گذار وضع و صادر شده است. البته هیچ فرد یا نهاد قانون‌گذار به عمد و با آگاهی، اقدام به وضع قوانین مغایر و مخالف نمی‌کند اما به تجربه دیده شده که این اقدام، ندانسته و ناخواسته، انجام شده است و این امر به حدی فراگیر است که گویی امری استثنایی نیست بلکه خود یک «اصل» مسلم است مؤلف «النظریه العامه للقانون» در این زمینه چنین اظهارنظر نموده است:

... نخستین کسی که انتظار می‌رود نسبت به قانون جاهل نباشد، خود قانون‌گذار است که قوانین از اراده او صادر می‌شود با این حال در مواردی پیش می‌آید که قانون‌گذار بر اثر جهل به قوانین قبلی، قانون جدیدی وضع می‌کند که اگر نسبت به قوانین پیش، علم می‌داشت، قانون جدید وضع نمی‌کرد یا به این صورت وضع نمی‌کرد (تناغو، ص ۶۰۶).

۲. نارسایی در قوانین عرفی: خصیصه دیگر قوانین عرفی ضعف و نارسایی آنهاست که می‌توان به عنوان «عدم جامعیت و مانعیت حکم نسبت به موضوع» تعبیر نمود. در قوانین عرفی، موارد زیادی پیش می‌آید که قانون صلاحیت و شایستگی لازم را برای اجرا و تبعیت ندارد و در مواردی جامع و فراگیر نیست و در موارد دیگر مانعیت کافی ندارد و گاهی اجرای آن زیان‌آور است. این گونه ضعف و نارسایی‌ها باعث می‌گردد تا قانون اصلاح یا تکمیل شود و احیاناً ملغی و نسخ گردد. این وضعیت هرچند در قوانین عادی شدیدتر است اما در قانون‌های اساسی نیز وجود دارد. تجربه تاریخی نشان داده است که در تدوین قانون‌های اساسی، عموماً نخبگان فکری، علمی و سیاسی هر کشور تمام توان خود را هماهنگ و بسیج نموده و اعمال می‌کنند تا قانون اساسی به صورت مجموعه‌ای از اصول قانونی تنظیم گردد که برای آینده زمینه‌ساز عدالت، تعالی، سعادت و تکامل جامعه باشد. با این وصف پس از مدتی، کاستی‌ها و نارسایی‌هایی غیرقابل اغماض در قانون

اساسی مشاهده می‌کنند و به اجبار آن را تغییر می‌دهند. چند مورد زیر شاهد و مؤید این واقعیت است:

- **قانون اساسی چین:** که در سال ۱۹۵۴ تصویب شده بود در سال ۱۹۸۲ اصلاح گردید (طاهری امین، ص ۱۶۱).

- **قانون اساسی مالزی:** که در سال ۱۹۵۷ تصویب شده بود، در سال‌های ۱۹۶۳، ۱۹۸۱ و ۱۹۸۳ در چند نوبت اصلاح شده است (مسائلی، ص ۱۷۳).

- **قانون اساسی اندونزی:** از زمان استقلال تاکنون چندین بار از جمله در سال‌های ۱۹۴۵، ۱۹۴۹، ۱۹۵۰ و ۱۹۵۹ تغییر کرده است (مظفری، ص ۱۱۵).

- **قانون اساسی بلژیک:** از زمان تصویب (فوریه ۱۸۳۰) تا ۱۳۷۰ هجده بار مورد تجدیدنظر قرار گرفته است که مهم‌ترین اصلاحات مذکور در سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۸ بوده است (منصوری، ۱۳۷۵، ص ۶۳).

- **قانون اساسی آمریکا:** در سال ۱۷۸۹ به تصویب رسیده و طی حدود دویست سال بیست و هفت اصلاحیه به آن افزوده شده است که اصلاحیه دهگانه سال ۱۷۹۱ از آن جمله است (ابوالفتح، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹).

در کشورهای مختلف دیگری نظیر ترکیه، مکزیک و پرتغال قانون اساسی چندبار اصلاح شده یا تغییر نموده است که به خاطر رعایت اختصار از بررسی آنها صرف نظر گردید.

۴. تأثیر احکام قرآن بر تمدن و جامعه اسلامی

بعد دیگر از اعجاز تشریحی قرآن بی‌نظیر بودن تأثیر احکام آن بر وضعیت زندگی مسلمانان است. البته ظرفیت و استعداد تأثیرگذاری شرایع قرآن بیش از آن حدی است که در تاریخ به فعلیت رسیده و محقق شده (و بخش عمده‌ای از قابلیت‌های آن به صورت بالقوه باقی مانده) است زیرا بر اثر انحرافی که پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) در مسئله رهبری پیش آمد، غالباً شرایط لازم برای اجرای کامل شرایع و احکام قرآن مهیا نبود. در عین حال تأمل و دقت در آثار سازنده و مثبت قوانین قرآن در حدی که اجرا شد، می‌تواند حقیقت و حیانی آن را معرفی نماید. برخی از احکام قرآن و نقش خاص هر یک در زندگی مسلمانان را اشاره می‌کنیم:

۱. وجوب تفقه و فراگیری علم

قرآن به صورت‌های مختلف از علم، تعلیم و تعلم به احترام یاد کرده و آن را ستوده است و بخشی از علم و دانش را که برای هدایت و رشد جامعه لازم است بر همگان (به نحو کفایی) فرض نموده است. در یکی از آیات قرآن چنین فرموده:

و ما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفة ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون (توبه/۱۲۲).

در آیه دیگر علم آموختگی را مقارن کسب ایمان و وسیله ترفیع مقام شمرده است:
يرفع الله الذين آمنوا منكم و الذين أتوا العلم درجات... (مجادله/۱۱).

حکم تفقه و تعلم سبب شد تا علوم و دانش‌های مختلف در میان مسلمانان پدید آید و مردمی که معمولاً «امی» و بی‌سواد بودند به امتی پرچمدار علم تبدیل گردند و فروغ علم و نور دانش را به سراسر جهان برسانند. این موضوع چیزی نیست که گویندگان و نویسندگان مسلمان مدعی آن باشند بلکه واقعیتی آشکار است که بیگانگان به آن اعتراف دارند (روحانی، ص ۳۰۷).

۲. قوانین کیفری و اجرای حدود

بخش دیگری از احکام تأثیرگذار قرآن در زمینه اجرای حدود است که در کتاب‌های تفسیر و منابع فقهی به تفصیل مورد استفاده و تحلیل قرار می‌گیرد. برخی از آنها که بیش از سایر احکام مورد توجه و بحث‌انگیز است در آیات ذیل بیان شده است:

۱. انما جزأوا الذين يحاربون الله و رسوله و يسعون في الأرض فساداً أن يُقْتَلُوا او يصلبوا أو تقطع أيدىهم و أرجلهم من خلف أو يُنْفَوْا من الأرض ذلك لهم خزي في الدنيا و لهم في الآخرة عذاب عظيم.

الا الذين تابوا من قبل أن تقدروا عليهم فاعلموا أن الله غفور رحيم (مائده/۳۳-۳۴).

۲. والسارق والسارقة فاقطعوا ايديهما جزاء بما كسبا نكالا من الله و الله عزيز حكيم. فمن تاب من بعد ظلمه و أصلح فان الله يتوب عليه ان الله غفور رحيم (مائده/۳۸-۳۹).

۳. الزانية والزانية فاجلدوا كل واحد منهما مائة جلده و لا تأخذكم بهما رأفة في دين الله إن كنتم تؤمنون بالله و اليوم الآخر و ليشهد عذابهما طائفة من المؤمنين. الزانية لا ينكح الا زانية او مشرکه و الزانية لا ينكحها الا زان أو مشرک و حرم ذلك على المؤمنين.

والذین یرمون المحصنات ثم لم یأتوا باریعه شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدہ و لا تقبلوا
لہم شہادہ أبدا و أولئک ہم الفاسقون. الا الذین تابوا من بعد ذلک واصلحوا فان اللہ
غفورٌ رحیم (نور/۵-۲).

چنانکہ ملاحظہ می‌شود در متن آیات فوق و نحوه اجرای حدود، شدت و نرمش، غلظت و
رحمت با یکدیگر همراه شده و این ترکیب باعث می‌شود تا جرم‌های مربوطه به عنوان گناہانی
بسیار عظیم و بزرگ تلقی شود و اعلام قانون به صورت مذکور بازدارندگی لازم را در جامعہ
داشته باشد. این تأثیر در حدی است کہ در عصر اول اسلام (دوران رسالت و زمان خلافت) این
گونه جرائم به ندرت واقع می‌شد.

۳. قانون آمادگی دفاعی

بخش قابل توجهی از قوانین اسلام مربوط به تأمین جامعہ و بلاد اسلامی از خطرهای خارجی
و تعرضات دشمن است در این زمینه، تدارک و آمادگی دفاعی جایگاه ویژه‌ای دارد کہ در آیاتی از
قرآن کریم ذکر شده است:

واعدوا لہم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون بہ عدو اللہ و عدوکم و آخرین
من دونہم لا تعلمونہم اللہ یعلمہم... (انفال/۶۰).
یا ایہا الذین امنوا قاتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظۃ و اعلموا أن اللہ مع
المتقین (توبہ/ ۱۲۳).

نکاتی در متن دو آیه شریفہ وجود دارد کہ قابل توجه است و عمومیت خطاب، فلسفہ حکم
(ارہاب عدو) و تأکید بر وجود دشمنان گوناگون، از آن جملہ است.

فرمان لزوم آمادگی دفاعی باعث شد تا مسلمانان بتوانند دشمنان بزرگی مانند امپراطوری روم
و پادشاهی ساسانی را وادار بہ عقب‌نشینی یا تسلیم نمایند و مرزهای میهن اسلامی را تا
بخش‌های وسیعی از آسیا، اروپا و افریقا توسعہ دهند. شایان ذکر است کہ در این حکم، هدف و
فلسفہ اصلی، دفاع و پیش‌گیری است کہ در قالب «ارہاب» بیان شده و حاکی از آن است کہ
روح حاکم بر دین اسلام، تہاجم، تخریب و ویرانگری نیست بلکہ مقابله با دشمن و دفاع است.

سند نهایی (خاتمه)

در پایان بحث شایسته است این امر را اضافه کنیم که احکام و شرایع قرآنی (همانند دیگر معارف آن) به وسیله شخصی تبیین شده که بر اساس ضرورت تاریخ «امی» بوده و نزد هیچ آموزگاری و در هیچ مدرسه‌ای خواندن و نوشتن فرا نگرفته بود و این واقعیت در متن قرآن کریم نیز مورد تأکید است (عنکبوت/۴۸؛ یونس/۱۶). با توجه به این امر، هر انسان حقیقت طلب و منصفی پی می‌برد که قرآن و شرایع آن حقیقتی الهی و فراتر از افق فکر و اندیشه بشر است. به خصوص اگر در نظر داشته باشیم که شبیه این حادثه پیش از قرآن دیده نشده و تکرار آن پس از ظهور قرآن از فرد یا افراد دیگر صورت نگرفته است.

نتیجه

۱. حضور بی‌مانند و تأثیرگذاری بی‌نظیر قرآن ناشی از بعد اعجاز و الهی بودن آن است و بررسی بعد اعجاز تشریحی قرآن به دلایلی از جمله توسعه روزافزون علوم بشری امری لازم و ضروری است.
۲. اگرچه تحقیق پیرامون برخی وجوه اعجاز قرآن، خاصه اعجاز بیانی، دارای پیشینه طولانی است اما تحقیق در بعد اعجاز تشریحی قرآن در حد کافی نبوده است.
۳. ویژگی‌های احکام و شرایع قرآن به عنوان امری الهی و اعجازی، به صراحت مورد تأکید برخی آیات قرآن کریم قرار گرفته است.
۴. شرایع قرآنی از معایب و نارسایی‌های شرایع و قوانین بشری وارسته است.
۵. قوانین و شرایع قرآنی با یکدیگر هماهنگ و متوازن‌اند و اصول حاکم بر شرایع قرآنی، حکیمانه و اعجاب‌انگیز است.
۶. با توجه به اینکه صدور چنین شرایعی از قانون‌گذاران عالم و دانشمند بشری، امری بی‌سابقه است، بنابراین بیان آنها به وسیله (فردی امی و...) پیامبر گرامی اسلام (ص) دلیل روشنی بر الهی بودن قرآن کریم است.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه، (الشریف الرضی - ۳۵۹ - ۴۰۹هـ)، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶.

ابوزهره، محمد، معجزه بزرگ، ترجمه محمود ذبیحی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.

_____، المعجزه الكبرى، بیروت، دارالفکر العربی، ۱۳۹۰ق/۱۹۷۰.

ابوعوده، عوده خلیل، شواهد فی اعجاز القرآن، عمان، دارعمار للنشر، ۱۴۱۹ق.
ابوالفتح، امیرعلی، برآورد استراتژیک ایالات متحده آمریکا، تهران، مؤسسه فرهنگی، ابرار معاصر، ۱۳۸۱.

اسماعیل، ابراهیم محمد، القرآن و اعجازه التشريعی، بیروت، دارالفکر العربی، بی تا.

ایازی، سیدمحمدعلی، قرآن اثری جاویدان، رشت، کتاب مبین، ۱۳۸۱.

تناغو، سمیر عبدالسید، النظریه العامه للقانون، مصر، الاسکندریه، منشأ المعارف، ۱۹۸۶.

تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، جزوه ۵، لبنان، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۹ق.

حمیدی نیا، حسین، آمریکا، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.

رجبی یزدی، مکزیکی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، (ش ۱۲)، ۱۳۷۳.

راغب، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۲ق/۱۹۷۲.

رضائی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، چ ۳، قم، کتاب مبین، ۱۳۸۱.

رضوانی، روح الله، مبانی کلامی اعجاز قرآن، پایان نامه، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵.

روحانی، سیدضیاءالدین، معجزه جاویدان، قم، چاپخانه حکمت، ۱۳۷۷ق.

زحیلی، وهبه، القرآن الکریم، بنیته التشريعیه ... الطبعة الأولى، بیروت، دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۹ق.

سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، چ ۱۳، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷.

طاهری، امین زهرا، چین، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، (ش ۵۴)، ۱۳۷۵.

طالبی فر، عباس، یرتقال، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.

طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، الطبعة الثالثة، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ق/۱۹۷۳.

عالیخانی، محمد، حقوق اساسی، تهران، دستان، ۱۳۷۳.

عوده، عبدالقادر، حقوق جزای اسلامی، ج ۲.

قاسمی، صابر، ترکیه، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.

- قرطبی، محمدبن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، الطبعة الثانية، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۲/۱۹۵۲.
- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.
- متولی، احمد مصطفی، *الموسوعه الذهبیه فی اعجاز القرآن ...*، الطبعة الأولى، قاهره، دار ابن الجوزی، ۱۴۲۶ق.
- محمدجعفر، علی، *نشأه القوانين و تطورها*، الطبعة الأولى، بیروت، مجدالمؤسسه الجامعیه، ۱۴۲۲هـ/۲۰۰۲م.
- مظفری، محمدرضا، *اندونزی*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، (ش ۸)، ۱۳۷۲.
- مسائلی، محمود، *مالزی*، چ ۲، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، (ش ۳)، ۱۳۷۳.
- منصوری، عزیز، *بلژیک*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه (ش ۵۹)، ۱۳۷۵.
- مجیری، احمدرضا، *پژوهشی در نظریه اعجاز تشریحی قرآن*، پایان نامه، قم، دانشکده اصول دین، ۱۳۸۵.
- نقیب زاده، احمد، *سیاست و حکومت در اروپا*، تهران، سمت، ۱۳۷۲.
- نصیری، حسن، *اعجاز تشریحی قرآن*، پایان نامه، دانشگاه قم، (ش ۲۷۵)، ۱۳۷۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی